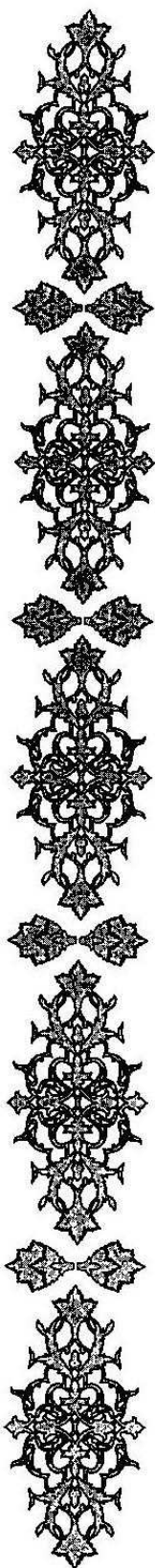


دیوان

شاهین

حاج علی شاهین





-
- سرشناسه : شاهین، علی، ۱۳۳۱-
عنوان و نام پدیدآور : دیوان شاهین / علی شاهین.
مشخصات نشر : اصفهان : پویش اندیشه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۵۱۵ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۴۳۴۰-۳
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع : Persian poetry -- ۲۰th century
رده بندی کنگره : ۸۳۴۹۰۰۲ R
رده بندی دیویی : ۶۳۰۱۸
شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۱۵۸۸۱
-





Poyesh.andishe@gmail.com

پویش اندیشه

نام کتاب: دیوان شاهین

مؤلف: حاج علی شاهین

ناشر: پویش اندیشه

لیتوگراف: سوژه - چاپ: کوثر - صحافی: سلام

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد / چاپ: اول / قطع: وزیری

تعداد صفحات: ۵۱۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۳-۵۴۴۳-۴۰-۳

آدرس مراکز بخش اصفهان:

خیابان مسجد سید - خیابان پنج رمضان بالاتراز جهاد دانشگاهی - کوچه جنت (۱۷)

انتشارات پویش اندیشه کدپستی ۶۷۷۴۱-۸۱۳۷۸

تلفن: ۳۳۳۶۳۲۱۸ : ۳۳۳۷۳۵۷۷ : فکس: ۳۰۸۵ : ۴۰۳۳۱

هرگونه تکثیر - نسخه برداری، کپی برداری و فروش کپی های این کتاب با
استناد به مواد ۲۳ و ۲۹ قانون حمایت از مؤلفان خلاف قانون، اخلاق و شرع
بوده و مشمول قوانین مجازات اسلامی خواهد بود.

فروشگاه اینترنتی: www.Tandisbook.com ارسال به سراسر کشور





فهرست اشعار



۷	مقدمه
۱۱	بخش اول: غزلیات
۳۰۹	بخش دوم: قصاید
۴۵۵	بخش سوم: رباعیات
۵۰۱	بخش چهارم: رباعیتی

www.ketab.ir



به نام خدا

شکر و سپاس خداوندی را سزااست که به کارگاه هستی فرمانرواست و هر چه به دیده‌ی صاحبان ابصار درآید حکمت او و هر موجودی نمونه‌ی قدرت او و هر نعمتی تراوش رحمت و هر ذره‌ای برهان شوکت او پس اوست که سزاوار پرستش و عبادت است.

ذاتی که به کارگاه هستی عالم بر ثابت و سیار سماوی ناظم
موجود هم‌سای آن ذاتند او فرد و بذات خویش باشد قائم

و بعد خوانندگان تاریخ ما را به آگاهی کامل دارند که زبان و ادبیات هر ملّتی معرف شایستگی و عظمت ملی انسان‌هاست و هر فرد موظف است که در حفظ و حراست آن کوشا باشد اینک پای پای وحی در پیشگاه سلیمانان زبان و ادبیات فارسی عرضه می‌شود.

بلبل به باغ و جغد به ویرانه تاخته هر که به در همت خود خانه ساخته

این حقیر علی شاهین فرزند محمد متولد سال یکهزار و سیصد و نود و پنج شمسی در یکی از محلات غرب اصفهان مرسوم به برزان متولد شدم. پدرم مرد کشاورزی بود که توصیه می‌نمود باسواد شوی، یاد دارم مرا به مکتب محله مجاور جوان پایین فرستاد که معلم آن بنام شیخ حسن شریعتی بود. و او الفبا و قدری سوره‌های قرآن را بمن آموخت، بعداً مکتب‌خانه بعثت اینکه دهخدایان و ملاکین





سفاک می خواستند مردم را در جهل و نادانی که موجب سهولت چپاولگری و استثمار آنها می شد نگه بدارند با این حربه که شاگردان مکتب خانه از دین خارج و گمراه می شوند، آن سرای علم را مسدود کردند. ولی من بطور خودآموز مشغول مطالعه و نوشتن بودم و به عللی از برزان به جاوان پایین مهاجرت نمودم و مشغول شغل عطاری شدم ذوق شعر در من ایجاد بود، کلمات را در ذهنم جابجا می کردم شعری به دست می آمد. مدتی در خدمت شعرا گلزار صغیر و شیدای اصفهانی در انجمن شعرا کسب فیض و معرفت نمی نمودم اشعاری بیادگار نهادم امید است ارباب سخن خورده گیرند بسایند.

اردیبهشت ۱۳۶۷ شمسی

ز من دور است حس خود نمایی	ندارم در فن شعرا دعایی
حیات من چو آب جو بشد طی	گارم یادگار بی بهایی
که چون داعی حق لیک گویم	فتنه هر ذره از خاکم بجایی
شود خواننده یکی بیت از کتابم	بسیارم آورد درد آشنایی
که مسکینی گذر کرده در این ره	از او مانده است اینجا نقش پای
هزار و سیصد بودش شصت و هفت	که بستم دفتر دلبر ستایی

این اثر به همت خواهرزاده‌ی شاعر حسین حیدری به زیور چاپ و طرح آراسته شد.

